

# وامواژه‌های روسی در زبان فارسی و فرهنگ بزرگ سخن

محمد رضا محمدی<sup>۱\*</sup>، ناهید عبدالتاجدینی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
۲. کارشناس ارشد زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۱۲/۷

دریافت: ۹۱/۴/۳۱

## چکیده

**فرهنگ بزرگ سخن** پژوهشی به نسبت جدید در زمینه فرهنگ‌نویسی زبان فارسی به شمار می‌آید که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای فرهنگ‌های پیشین، دارای نوآوری‌های برجسته‌ای است. این فرهنگ ضمن استفاده از پیکره زبانی در انتخاب واژه‌ها، به آوانویسی، ترکیبات واژه‌ها و ارائه مثال‌ها و شواهد مناسب پرداخته است. یکی از ویژگی‌های این فرهنگ، ریشه‌یابی واژه‌ها به‌ویژه واژه‌های دخیل در زبان فارسی است که در میان آن‌ها نود واژه روسی نیز دیده می‌شود. اما با بررسی دقیق، در شناسایی ریشه این واژه‌ها کاستی‌هایی مشاهده کردیم که در مقاله حاضر به آن می‌پردازیم. هم‌زمان با بررسی این‌گونه واژه‌ها در **فرهنگ بزرگ سخن**، موارد دیگری را نیز تحلیل می‌کنیم. در بعضی از وامواژه‌های روسی تغییرات معنایی و یا حوزه معنایی، در برخی از آن‌ها گاه تغییرات آوایی و در گروهی دیگر نیز تغییرات دستوری پدیده آمده است. وامواژه‌هایی نیز روسی انگاشته شده‌اند؛ ولی پس از بررسی مشخص شدند که آن‌ها واژه‌های اصیل فارسی بوده‌اند که به زبان روسی وارد شده و سپس با تغییرات آوایی به زبان فارسی بازگشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: وامواژه، فرهنگ بزرگ سخن، زبان روسی، وام‌گیری، زبان فارسی، ریشه‌شناسی.

## ۱. مقدمه

زبان پدیده‌ای پویاست که در طول زمان تحول می‌یابد و در وسعت و دامنه آن دگرگونی‌های زیادی رخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان‌های مختلف، وام‌گیری واژگانی از سایر

زبان‌هاست. شناسایی ریشه‌های واژه‌های دخیل و مسائل مربوط به آن همواره یکی از موضوعات مهم در علم زبان‌شناسی بوده است.

در وام‌گیری، وام‌واژه‌ها از جایگاه خاصی برخوردارند. واژه‌های قرضی و وام‌گیری از مسائل محوری زبان است که همواره مورد توجه زبان‌شناسان ایرانی بوده است. هر جامعه‌ای ضمن اینکه به اقتضای پویایی داخلی خود پیوسته در حال تغییر است، بر اثر ارتباط با جوامع دیگر نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. تغییراتی که بر اثر ارتباط با جوامع دیگر در ساختمان و کارکرد جامعه ظاهر می‌شود، در واژگان زبان نیز بازتاب می‌یابد و موجب پیدایش پدیده‌های قرضی در زبان می‌شود (باطنی، ۱۳۷۳: ۷۸). قرض‌گیری زبانی روندی عام است که در بخش‌های گوناگون زبان به شکل‌های مختلف اتفاق می‌افتد. از این دیدگاه، قرض‌گیری زبانی را به انواع واژگانی، واجی و دستوری تقسیم کرده‌اند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۸۹).

درج یک واژه به‌عنوان وام‌واژه با بحث ریشه‌شناسی ارتباط مستقیم دارد و از این دیدگاه باید سنجیده، و درستی یا نادرستی آن معلوم شود. گاه در مشخص شدن اصل و ریشه واژه‌ها دچار لغزش می‌شویم. تعیین ریشه‌شناسی واژگان نیز در حوزه زبان فارسی، از دیرباز مورد توجه فرهنگ‌نویسان بوده است؛ چنان‌که در آثاری مانند *لغت فارس*، *برهان قاطع* و *فرهنگ رشیدی* به این موضوع توجه شده است. لغت‌نامه‌های *دهخدا*، *معین* و *فرهنگ بزرگ سخن* در دوره اخیر نیز از فرهنگ‌های یک‌زبان‌های هستند که به ریشه‌شناسی واژه‌ها پرداخته‌اند.

از آنجا که روابط زبانی زبان‌های فارسی و روسی در حوزه پژوهش‌های زبان‌شناسی اهمیت زیادی دارد، در این مقاله به بررسی دستاوردهای *فرهنگ بزرگ سخن* از دیدگاه ریشه‌شناسی واژه‌های دخیل روسی در زبان فارسی می‌پردازیم.

این تحقیق در پی بررسی و پاسخ‌گویی به این مسئله است که در *فرهنگ بزرگ سخن*، در مقایسه با منابع روسی، وام‌واژه‌های روسی زبان فارسی تا چه حد به درستی ثبت شده و در چه مواردی با منابع روسی مغایرت دارند و در صورت مغایرت داشتن، به چه شکل در مراجع روسی ثبت و ضبط شده‌اند. در تحلیل، واژه‌ها به‌لحاظ اشتقاق، از منظر منابع روسی بررسی شده‌اند.

## ۲. مروری بر پیشینه مطالعات

واژه‌ها در کنار سایر دستگاه‌های زبانی در جایگاه خاصی قرار دارند. زبان و دستگاه‌های سازنده آن (دستگاه صوتی یا فونولوژی، دستگاه دستوری یا گرامر و دستگاه واژه‌ها) همه در معرض تغییرند؛ ولی از میان سه دستگاه زبان آنکه بیشتر دستخوش تحولات اجتماعی می‌شود، دستگاه واژه‌هاست (باطنی، ۱۳۷۳: ۷۴).

در دوره معاصر، در *لغت‌نامه دهخدا* به دخیل بودن واژه‌های روسی و تلفظ‌های مختلف آن‌ها اشاره شده است که در نوع خود کار ارزشمندی است. همچنین، در *فرهنگ معین* علاوه بر ریشه‌شناسی، واژه‌ها آوانگاری هم شده‌اند که این نیز تحول مهمی در زبان‌شناسی فارسی به‌شمار می‌آید.

در میان سایر پژوهش‌ها، از *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی* (۱۳۸۳) اثر محمد حسن دوست یاد کنیم که در جلد نخست متوقف مانده است. از این رو، آثار موجود در این حوزه به هیچ‌وجه با پژوهش‌های سایر زبان‌ها مانند انگلیسی، آلمانی، فرانسه، روسی و... که منابع متعدد و مفصلی در این باره نوشته شده است، قابل مقایسه نیستند.

وام‌واژه‌ها در زبان فارسی همواره مورد توجه پژوهشگران، به‌ویژه داخلی بوده است. عنوان برخی از این تحقیقات که در این حوزه انجام شده، به این شرح است: «کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه آن‌ها» از صادقی (۱۳۸۴)، «واژگان روسی در زبان فارسی: تغییر ویژگی معنایی آن‌ها» از محمدی (۱۳۸۵)، «واژه‌های به‌ظاهر دخیل، اما اصیل» از آقاگل‌زاده (۱۳۸۷)، «وام‌واژه‌های اجتماعی روسی در زبان فارسی، ریشه‌شناسی، معناشناسی راه‌های وام‌گیری» از محمدی (۱۳۸۹)، «بررسی وام‌واژه‌های روسی در گویش مازندرانی» از گلکار (۱۳۹۰) و «بررسی علل و عوامل تاریخی - سیاسی ورود واژگان بیگانه نظامی به زبان فارسی در دوره قاجاریه تا سال ۱۳۰۰ ه.ش» از نیکویخت (۱۳۹۱).

تعداد وام‌واژه‌های روسی در منابع مختلف و براساس مستندات متفاوت یکسان نیست. در یک بررسی مستقل انجام‌شده، تعداد وام‌واژه‌های روسی ثبت‌شده در فرهنگ یک‌جلدی فارسی عمید ۳۷ واژه (محمدی و گلستان، ۱۳۸۵: ۹۰-۱۱۳)، تعداد وام‌واژه‌های روسی در لغت‌نامه ۱۶ جلدی فارسی دهخدا ۸۰ واژه (دهخدا، ۱۳۸۶) و در فرهنگ ۶ جلدی فارسی معین ۸۵ واژه (معین، ۱۳۷۵) است (عبدالتاج‌دینی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

### ۳. بررسی و تحلیل وام‌واژه‌های روسی در فرهنگ بزرگ سخن

آگاهی از زبان مبدأ برای بررسی واژه‌ها و وام‌واژه‌ها ضروری است و در این میان، فرهنگ ریشه‌شناسی کشورها جایگاه خاصی دارد. در زبان روسی چند فرهنگ ریشه‌شناسی وجود دارد که همواره مورد استفاده و استناد زبان‌شناسان روسی و روس‌شناسان ایرانی بوده است. در این تحقیق از سه فرهنگ مهم ریشه‌شناسی زبان روسی استفاده شده که مشخصات کلی آن‌ها به این شرح است:

- *Etymological Dictionary of the Russian Language*:

**فرهنگ ریشه‌شناسی زبان روسی** از م. فاسمر<sup>۱</sup> (1986-1987) که در چهار جلد تنظیم شده و دارای ۱۸ هزار مدخل است. این کتاب را تروباچف<sup>۲</sup> از زبان آلمانی به زبان روسی ترجمه کرده است. در هر مدخل معنای واژه، ریشه آن، زبان‌های واسطه و نظر ریشه‌شناسان درباره آن واژه آمده است.

- *Etymological Dictionary of the Russian Language*:

**فرهنگ ریشه‌شناسی زبان روسی** از ن.م. شانسکی و ت.آ. بابروا<sup>۳</sup> (1994) که در یک جلد و ۶۲۶ مدخل نوشته شده است.

- *Etymological Dictionary of the Russian Language (1910-1914)*:

**فرهنگ ریشه‌شناسی زبان روسی** از آ. پرابراژنسکی<sup>۴</sup> (1914-1949) که در سه جلد منتشر شده و در نگارش آن روش مقایسه تاریخی به کار رفته است. این فرهنگ اهمیت زیادی داشته است و در حال حاضر نیز به آن استناد می‌شود.

در مواردی که در سه فرهنگ بالا به واژه‌های مورد بررسی در این پژوهش ارجاعی داده نشده، از **فرهنگ بزرگ واژه‌های خارجی** آن. بولکو<sup>۵</sup> (با ۳۵ هزار واژه) برای استناد استفاده شده است.

**فرهنگ بزرگ سخن** حاصل کوشش‌های حسن انوری و همکارانش در طی بیش از هشت سال تلاش و کار صدنفره از لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان زبان فارسی است. این فرهنگ ویژگی‌های برجسته‌ای دارد؛ از جمله سود بردن از کار گروهی، آوانگاری، تعریف مدخل‌ها، ترکیبات و تعبیرات، آوردن شواهد و مثال‌های مناسب، ذکر ریشه واژگان، روش ارجاع‌دهی

در تعریف‌ها، بیان کردن حوزه کاربرد واژه‌ها و اهمیت به جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و تاریخی واژه‌ها. اما نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، هم عدم مستندسازی این‌گونه واژه‌ها در فرهنگ بزرگ سخن است و هم اینکه هیچ‌گونه استنادی به روسی بودن این واژه‌ها، به‌عنوان واژه‌های دخیل روسی، مشاهده نمی‌شود.

با بررسی واژه به واژه ۸ جلد فرهنگ بزرگ سخن - که شامل بیش از ۷۵ هزار سرواژه/مدخل اصلی و ۴۵ هزار سرواژه/مدخل فرعی است - روشن شد که ۹۰ واژه دخیل از زبان روسی در آن آمده که فقط ریشه ۶ واژه بیان شده است. به‌طور کلی، این واژه‌ها را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. واژه‌های دخیلی که روسی معرفی شده و ریشه آن‌ها نیامده است که ۷۳ واژه را شامل می‌شود؛ مانند آتریاد - [ātriyad]، ارس - [oros]، استپ - [estep].
۲. واژه‌های دخیلی که روسی معرفی شده و ریشه آن‌ها هم آمده است که شش واژه است: استکان - [estekān]، برزنت - [berezent]، بکسوات - [boksovāt]، بکسل - [bokse(ɔ)]، چمدان - [čamedān]، سالدات - [saldāt].
۳. واژه‌های دخیلی که روسی معرفی شده و ریشه آن‌ها نیامده است؛ اما در منابع روسی معادل آن‌ها نیز یافت نشد که یازده واژه است؛ مانند آرشال - [āršāl]، پیت - [pit]، گالینگور - [gālingor].

۳-۱. واژه‌های دخیلی که روسی معرفی شده‌اند؛ اما در فرهنگ بزرگ سخن به ریشه آن‌ها اشاره‌ای نشده است  
این واژه‌ها که در مجموع ۷۳ واژه هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. واژه‌های دخیلی که ریشه روسی دارند: تعداد آن‌ها ۲۸ واژه است و در فرهنگ بزرگ سخن فقط به روسی بودن واژه فارسی اشاره شده و اصل روسی آن بیان نشده است. (هرچند در فرهنگ‌های عمومی فقط واژه و نه ریشه آن ذکر می‌شود و این از وظایف فرهنگ‌های ریشه‌شناسی است.) ما در اینجا با استناد به منابع روسی، اصل روسی آن‌ها را نیز مورد توجه قرار داده و تحلیل کرده‌ایم. نخست واژه فارسی و تلفظ آن را در بین علامت [ ] و معنای آن را از فرهنگ سخن آورده‌ایم. سپس برپایه نتایج تحقیق حاضر و فقط با

استفاده از منابع روسی، واژه معادل به زبان روسی را به‌همراه بحث و بررسی با توضیحات و استنادات لازم آورده‌ایم. برای خوانندگان ناآشنا به زبان روسی فرم نوشتاری واژه روسی و نه تلفظ آن را به زبان فارسی در بین علامت ( ) آورده‌ایم.

۱. آتریاد – [ātriyad]: دسته‌ای از سربازان. **отряд** (آتریاد): شانسکی (1994: 219) این واژه را روسی می‌داند.

۲. ارس – [‘oros]: کشور روسیه؛ مردم روسیه. **русъ** (روس): فاسمر (1987: 3/ 522) واژه **Русь** را روسی می‌داند و می‌گوید فرم **urug** در زبان تاتاری و **oros** در زبان کالمیکی ثبت شده است.

۳. استپ – [‘estep]: جلگه پهن‌اور و بدون درخت در نواحی نیمه‌خشک. **степь** (ستپ): به‌استناد فاسمر (1987: 3/ 755-756) و شانسکی (1994: 303) ریشه این واژه روسی است. در ابتدای واژه روسی، دو حرف بی‌صدا وجود دارد؛ اما به‌دلیل ویژگی زبان فارسی و تسهیل در تلفظ، در زبان فارسی در ابتدا حرف الف اضافه شده است.

۴. اسکوبکا – [‘eskobkā]: در ژیمناستیک نوعی حرکت به‌صورت راست و ایستاده نگه داشتن بدن پس از حالت خمیده و جمع بودن بدن. **скобка** (سکوبکا): به‌گفته فاسمر (1987: 3/ 643) و شانسکی (1994: 9)، ریشه این واژه به **скоба** روسی برمی‌گردد. در ابتدای واژه به زبان فارسی حرف الف اضافه شده است.

۵. بلشویک – [bolševik]. **большевик** (بالشویک): به‌اعتقاد شانسکی (Ibid: 29)، این واژه روسی است.

۶. پیراشکی – [pirāški]. **пирожки** (پیراژکی): این واژه از واژه **пирог** (پیروگ) ساخته شده است که به‌نظر فاسمر (1987: 3/ 265-266) و شانسکی (1994: 243)، ریشه این واژه روسی است. گفتنی است که شکل جمع واژه روسی در زبان فارسی به‌معنای مفرد به‌کار می‌رود.

۷. تزار – [tezār]: [فر: tsar, tzar]، از اسلاوی: **tsar**، هم‌ریشه با سزار] (منسوخ) لقب پادشاهان روسیه. **царь** (ثار): به‌عقیده شانسکی (Ibid: 356)، این واژه از دوران روسی باستان در زبان روسی وجود داشته است.

۸. چرتکه – [čortke]: وسیله‌ای برای محاسبه جمع و تفریق شامل چند رشته سیم که در

- چهارچوبی قرار دارد. در فرهنگ فارسی معین این واژه برگرفته از scetke معرفی شده است؛ درحالی که در زبان روسی چنین واژه‌ای وجود ندارد. صادقی در مقاله خود با عنوان «کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه ورود آنها» می‌گوید که واژه فارسی از чѣтки (به معنای تسبیح) گرفته شده است. به نظر می‌رسد چرتکه فارسی از СЧѢТЫ (شیوتی) روسی گرفته شده باشد؛ زیرا به لحاظ معنا با آن مطابقت دارد (عبدالتاجدینی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸).
۹. چتور – [čatvar]: واحد اندازه‌گیری وزن معادل ۱۲۵ گرم و حجم مایعات معمولاً الکلی ۱۲۵ میلی‌لیتر. чѣтверть (چتورت): به استناد وینگرادف (۱۹۹۴)، واژه‌ای روسی است که از نیمه دوم قرن شانزده در روسیه در سیستم اندازه‌گیری به کار گرفته شد.
۱۰. خاموت – [xāmut]: ۱. قسمتی از یراق حیوانات بارکش که به صورت تسمه‌ای روی شانه آنها قرار دارد. ۲. (ساختمان) مفتول‌هایی که برای نگه داشتن آرماتور دور آن حلقه می‌شود. хомѹт (خاموت): به نظر فاسمر (۱۹۸۷: ۴/ ۲۵۹)، این واژه روسی باستان است که منشأ آن به یونانی hama برمی‌گردد.
۱۱. خوتکا – [xutkā]: نوعی مرغابی کوتاه با گردن کوچک. ѹтка (اوتکا): به استناد فاسمر (۱۷۴: Ibid) و شانسکی (۱۹۹۴: ۳۳۷)، ریشه خود این واژه УТЫ روسی است.
۱۲. درشکه – [doroške]. дрѹжки (دروژکی): فاسمر (۱۹۸۶: ۱/ ۵۴۰) و شانسکی (۱۸۰: ۱۹۹۴) ریشه این واژه را дрога روسی می‌دانند.
۱۳. زاپاس – [zāpās]. запас (زاپاس): به گفته فاسمر (۱۹۸۶: ۳/ ۲۱۵)، ریشه این واژه به пасу روسی برمی‌گردد.
۱۴. زاگون – [zākun]. закон (زاگون): به معنای قانون. به استناد فاسمر (۱۹۸۶: ۲/ ۷۵) و شانسکی (۱۹۹۴: ۹۲)، این واژه برگرفته از законъ در زبان روسی قدیم (древнерусский язык - زبان اسلاو شرقی) است.
۱۵. زاماسکه – [zāmāske]: بتونه. به گفته اژگوف (۱۹۹۹: ۲۱۰)، واژه روسی замазка (زامازکا) از فعل замазатъ ساخته شده است.
۱۶. ساوخوز – [sāvxuz]: هر واحد کشاورزی دولتی در سیستم سوسیالیستی اتحاد شوروی پیشین. совхоз با توجه به توضیحات فرهنگ اژگوف (Ibid: ۷۴۲) این واژه خلاصه



دو واژه советское хозяйство است.

۱۷. **سمیشکا** – [semiškā]: تخمه آفتاب‌گردان. **семечко** (سیمچکا به معنای تخم و بذر) آن‌گونه که در فرهنگ روسی به روسی ازگوف (Ibid : 710) آمده است، در زبان روسی شکل جمع این واژه **семечки** (سیمچکی) به معنای تخمه آفتاب‌گردان است.

۱۸. **سماور** – [samāvar]. **самовар** (ساماور): فاسمر (3/ 553 : 1987) و شانسکی (280 : 1994) می‌گویند این واژه مرکب از دو واژه **сам** (=خود) و **вар** (=جوش) روسی است.

۱۹. **سوخاری** – [suxār-io]: ۱. برشته‌شده: مرغ سوخاری، نان سوخاری. ۲. (ا.) نوعی نان برشته. **сухарь** (سوخار): به‌گفته فاسمر (3/ 813 : 1987)، ریشه این واژه روسی و از واژه **сухой** است. جمع آن **сухари** (سوخاری) است و در زبان فارسی یا شکل جمع آن وارد شده یا یای صفتی به آخر مفرد آن اضافه شده است.

۲۰. **فانسقه** – [fānosqe]: کمربندی برای جا دادن فشنگ، جلد خشاب، سرنیزه، قمقمه، سلاح کمری و مانند آن‌ها. **полоска** (پالوسکا): به‌استناد فاسمر (Ibid : 315) و پره‌آبرازنسکی (1914: 2/ 96)، ریشه این واژه به **полоса** روسی برمی‌گردد.

۲۱. **کاتیوشا** – [kātyušā]: موشک زمین به زمین. **катюша** (کاتیوشا): ازگوف ( : 1999) 270) این واژه را روسی می‌داند.

۲۲. **کاپکی** – [kāpeki]: واحد پول خرد در روسیه. **копейка** (کاپی‌کا): به‌استناد فاسمر (2/ 318 : 1986) و شانسکی (1994: 147)، این واژه روسی است. شکل جمع آن **копейки** (کاپی‌کی) در زبان فارسی وارد شده است.

۲۳. **کلاشینکف** – [kelāšinkof]. **калашников** (کالاش نیکوف): به‌استناد **دائرةالمعارف بزرگ شوروی**، سلاحی در انواع خودکار و نیمه‌خودکار، دارای دستگاه نشانه‌روی مکانیکی و دو نوع قنداق ثابت تاشو که برگرفته از نام میخائیل تیموفیویچ کالاش نیکف (متولد ۱۹۱۹م) اسلحه‌ساز روسی است.

۲۴. **لنکا** – [lotkā]: قایق؛ کرجی؛ زورق. **лодка** (لودکا): به‌گفته فاسمر (2/ 510 : 1986) و شانسکی (1994: 171)، این واژه ریشه روسی دارد.

۲۵. **ماتیشکا** – [mātiškā]. **Матушка** (ماتوشکا): این واژه در **لغت‌نامه** دهخدا با املای



«ماتوشکا» آمده که به املای واژه روسی به معنای مادر بسیار نزدیک است. معلوم نیست که این واژه در معنای مجازی زن بدکاره در زبان فارسی از این گرفته شده یا نه. این احتمال هم هست که از واژه ماتریوشکا – матрюшка که به عروسک اطلاق می‌شود، گرفته شده باشد؛ اما از لحاظ آوایی، ماتوشکا به ماتیشکا نزدیک‌تر است.

۲۶. ماچالکا – [māčalkā]: گونه‌ای گیاه که از آن لیف درست می‌کنند. мочалка (ماچالکا): شانسکی (1994: 191) بر آن است که این واژه ریشه روسی دارد و برگرفته از واژه мочало (ماچالا به معنای فیبر درخت) است.

۲۷. موژیک – [mužik]: دهقان روسی پیش از انقلاب سوسیالیستی. мужик (موژیک): به گفته شانسکی (Ibid: 192)، این واژه ریشه روسی دارد.

۲۸. ودکا – [vodkā]. водка (ودکا): شانسکی (Ibid: 43) می‌گوید این واژه ریشه روسی دارد و از واژه вода به معنای آب گرفته شده است.

ب. واژه‌های دخیلی که ریشه روسی ندارند و ممکن است زبان روسی فقط نقش زبان واسطه را داشته باشد: تعداد این واژه‌ها ۴۵ عدد است و در فرهنگ بزرگ سخن به عنوان واژه‌های دخیل روسی آورده شده‌اند:

۱. آپارات – [pārat]ā: به معنای ۱. (سینما) وسیله نمایش فیلم. ۲. (فنی) دستگاهی در پنچرگیری که به کمک آن وصله قرار گرفته روی تویی لاستیک خودرو، ریخته و به آن متصل می‌شود. ۳. دوربین عکاسی. ۴. دستگاه؛ وسیله است. аппарат (آپارات): به استناد فرهنگ واژگان خارجی بولکو ریشه این واژه از لاتین apparatus است.

۲. آردل – [ārdal]. ординарен (اوردینارتس): به گفته فاسمر و اسمیرنف، از واژه آلمانی ordonnanz وام گرفته شده است.

۳. آرشین – [aršin]: به معنای واحد اندازه‌گیری طول معادل ۲۸ اینچ یا حدود ۷۰ سانتی‌متر. аршин (آرشین): به گفته فاسمر، از زبان ترکی و به استناد شانسکی در قرن شانزدهم از زبان تاتاری- که خود از آرش فارسی است- به زبان روسی وارد شده است.

۴. آفتامات – [aftamat]: به معنای کلیدی خودکار در اتومبیل که ولتاژ دینام را تنظیم می‌کند و نمی‌گذارد ولتاژ کمتر یا بیشتر از حد معین به مدارهای بعد از آن یا به باتری برسد. автомат (آوتامات): به نظر شانسکی (9: 1994)، این واژه در اواخر قرن هجده میلادی از



فرانسوی automate وام گرفته شده است.

۵. اسکناس – [‘eskenās]. ассигна́ция (آسیگنات سیا): در فرهنگ بزرگ سخن، اسکناس واژه‌ای روسی برگرفته از واژه فرانسوی assignat معرفی شده است؛ اما به‌گفته فاسمر (1986: 1/ 94)، این واژه از طریق واژه لهستانی asygnacja – که خود برگرفته از لاتینی assignation است – به زبان روسی راه یافته است. در فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی نیز چنین آمده است: «لغت اسکناس دخیل است از روسی assignatsya "چک، پول"، لغت روسی خود از لهستانی asygnacje "فرمان، حکم برای دریافت چیزی؛ دستور برای پرداخت پول" و آن نیز از لاتینی assignation "اشاره، دستور، فرمان" گرفته شده است.» (حسن‌دوست، ۱۳۸۳: ۱/ ۹۷).

۶. اَشپون – [‘ešpouŋ]: ۱. طول سطر کامل در حروف‌چینی که در مقاطع مختلف، متفاوت است. ۲. جایی که سطر کامل و بدون تورفتگی شروع می‌شود. шпóн (شپون) به‌استناد فرهنگ کلمات خارجی بولکو (2003: 665) ریشه این واژه از آلمانی span است. ۷. اشکاف – [‘eškaf]. шка́ф (شکاف): به‌گفته شانسکی (1994: 347)، در اوایل قرن هجده میلادی از Schaff آلمانی به زبان روسی راه یافته است.

۸. امپراتور – [‘Imp[e]ratur]. имперáтор (ایمپراتار): آن‌گونه که فاسمر (1986: 2/ 129) می‌گوید این واژه از طریق imperator لهستانی یا به‌طور مستقیم از لاتینی imperator به زبان روسی وارد شده است.

۹. بالالایکا – [bālālāykā]: به یکی از سازهای زهی‌دار بدنه مثلثی‌شکل و دسته بلند سه‌سیم که اغلب در روسیه و کشورهای اسلاو رایج است، اطلاق می‌شود. Балала́йка (بالالایکا): فاسمر (Ibid: 1/ 113) می‌گوید احتمالاً از زبان ترکی وام گرفته شده است؛ اما به‌گفته پیراژنسکی (1914: 1/ 14)، از زبان تاتاری وارد زبان روسی شده است.

۱۰. بانکه – [bānk-e]: در فرهنگ بزرگ سخن فقط به دخیل بودن این واژه از زبان روسی و به‌معنای آن – شیشه‌ای معمولاً بزرگ و دردار برای نگهداری مواد غذایی – اشاره شده است. ба́нка (بانکا): به‌استناد فاسمر (1986: 1/ 120-121)، این واژه به دو معنا در زبان روسی به‌کار می‌رود: بانکه به همان معنا که در زبان فارسی کاربرد دارد از آلمانی bank و بانکه به‌معنای ۱. ظرفی مخصوص کنسرو کردن و ۲. ظرفی که در پزشکی به‌کار می‌رود از

لهستانی bańka به زبان روسی وارد شده است.

۱۱. برخان – [barxān]: همان تپهٔ ماسه‌ای وهلای‌شکلی است که باد در بعضی از بیابان‌ها درست می‌کند و به‌صورت منفرد یا گروهی یافت می‌شود. бархан (بارخان): آن‌گونه که فاسمر (1986: 1/ 129) و شانسکی (1994: 19) می‌گویند این واژه از قزاقی barxan وام گرفته شده است.

۱۲. برش – [borš]: نوعی سوپ است که از گوشت، کلم، هویج، چغندر و مانند آن‌ها تهیه می‌شود. борщ (برش): به‌استناد فاسمر (1986: 1/ 198)، برگرفته از اوکراینی борщ است و به‌گفتهٔ شانسکی (1994: 29)، در قرن نوزدهم از زبان اوکراینی وام گرفته شده است.

۱۳. بشکه – [boške]. бочка (بُچکا): شانسکی (1994: 30) می‌گوید این واژه از زبان اسلاوی (общеславянский) دربرگیرندهٔ همهٔ زبان‌های اسلاوی) وام گرفته شده است.

۱۴. بولکی – [bolki]: به همان باگت اطلاق می‌شود. бўлка (بولکا): به‌استناد پراژانسکی (1914: 1/ 52) از لهستانی و به‌گفتهٔ فاسمر (1986: 1/ 239) از لهستانی وام گرفته شده است و خود واژهٔ لهستانی برگرفته از ایتالیایی Bulla یا فرانسوی Boule است. بولکی شکل جمع بولکاست.

۱۵. پاکن – [pāgon]: قطعه‌ای از جنس پارچه با نخ‌های معمولاً طلایی‌رنگ که رشته‌هایی به انتهای آن متصل است و روی دوش لباس رسمی قرار می‌گیرد. погон (پاگن): به‌استناد فاسمر (1987: 3/ 295) واژهٔ روسی برگرفته از لهستانی pogon است. شانسکی (1994: 24) واژهٔ روسی погоны را واژهٔ اصیل می‌داند.

۱۶. پوت – [put]: واحد قدیمی اندازه‌گیری وزن در روسیه معادل ۱۶/۲۸ کیلوگرم. пуд (پود): فاسمر (1987: 3/ 401) و شانسکی (1994: 261) بر این عقیده‌اند واژهٔ روسی از زبان اسکاندیناوی وام گرفته شده است.

۱۷. ترمز – [tormoz]: وسیلهٔ بازدارندهٔ حرکت چرخ اتومبیل، موتور، دوچرخه و مانند آن‌ها. тормоз (ترماز): آن‌گونه که فاسمر (1987: 4/ 84) و شانسکی (1994: 320) می‌گویند مشخص نیست که ریشهٔ این واژه دقیقاً به کجا برمی‌گردد؛ ولی شاید از زبان یونانی یا ترکی به زبان روسی وارد شده باشد.

۱۸. چدن – [čodan]. чугу́н (چوگون): به‌نظر فاسمر (1987: 4/ 377) و شانسکی (1994: )



366)، واژه روسی برگرفته از زبان ترکی است.

۱۹. رامگا – [rāmḡā]: در حروف‌چینی دستی، سینی فلزی که حروف چیده‌شده را سطر به سطر در آن قرار می‌دهند. рамка (رامکا): به‌گفته‌ی اژگوف (656: 1999) و با توجه به معنای ذکرشده در این فرهنگ، واژه روسی است و در سایر فرهنگ‌ها دلیلی بر غیرروسی بودن آن یافت نشد.

۲۰. سارافون – [sārāfon]: پیراهن زنانه بدون آستینی که معمولاً در زیر آن بلوز می‌پوشند. сарафан (سارافان): به‌عقیده‌ی فاسمر (3/ 561: 1987) و شانسکی (281: 1994)، واژه روسی برگرفته از فارسی serāpā و به‌واسطه از زبان ترکی sārāpa است.

۲۱. ساسات – [sāsāt]: ۱. دریچه‌ای در کنار کاربراتور خودرو برای رساندن سوخت بیشتر به موتور در هوای سرد که هنگام روشن کردن موتور به‌طور دستی یا خودکار به‌کار می‌افتد. ۲. دسته مخصوص به‌کار انداختن این دریچه در داخل اتاق خودرو. сосать (ساسات): به‌نظر فاسمر (3/ 725: 1987) و شانسکی (229: 1994)، ریشه این واژه به زبان اسلاوی برمی‌گردد. واژه روسی ساسات فعل و به‌معنای «مکیدن» است و در معنای تخصصی دریچه، کلمه «подсос» به‌کار می‌رود.

۲۲. شماته – [šammāte]: زنگ ساعت. шуметь (شومت): به‌گفته‌ی شانسکی (379: 1994)، برگرفته از زبان اسلاوی است. واژه روسی فعل و به‌معنای «سروصدا کردن» است. در روسیه «будильник» به‌معنای «زنگ ساعت» به‌کار می‌رود.

۲۳. شنل – [šene]. шинель (شینل): به‌استناد فاسمر (4/ 439: 1987) و شانسکی (373: 1994)، این واژه برگرفته از chenille فرانسوی است و به‌گفته‌ی شانسکی، در قرن هجده میلادی به زبان روسی وارد شده است.

۲۴. شوشکه – [šuške]: شمشیر راست بدون انحنا. шапка (شاشکا): به‌گفته‌ی فاسمر (4/ 416: 1987) و پیرآبرازنسکی (3/ 92: 1914)، این واژه برگرفته از زبان چرکسی است.

۲۵. شیپسی – [šipsi]: انبر کوچکی که با آن حروف را هنگام غلطگیری بیرون می‌کشیدند. щипцы (شیپتی): به‌عقیده‌ی شانسکی (383: 1994) این واژه برگرفته از زبان اسلاوی است.

۲۶. کانفت – [kānfet]. конфета (کانفتا): به‌استناد فاسمر (2/ 315: 1986)، از طریق

ایتالیایی confetto از لاتین confectum به زبان روسی وارد شده است و به اعتقاد شانسکی (1994: 146)، این واژه برگرفته از ایتالیایی confetto در قرن نوزده میلادی است.

۲۷. **فارسونکا** – [fārsunkā]: سوخت‌پاش. **форсу́нка** (فارسونکا): به گفته بولکو (2004: 627)، این واژه برگرفته از force-pump انگلیسی است.

۲۸. **فاستونی** – [fāstoni]: به معنای پارچه پشمی نسبتاً ضخیم است که معمولاً برای دوختن لباس رو به کار می‌رود. **бостон** (بوستون): فاسمر (1999: 1/ 1989) می‌گوید واژه روسی از واژه boston فرانسوی سرچشمه می‌گیرد. در زبان روسی، تمام واژه‌هایی که با حرف «ف» شروع می‌شوند، غیروسی‌اند.

۲۹. **کالباس** – [kālbas]: **колбаса́** (کالباسا): به استناد فاسمر (1986: 2/ 286) و شانسکی (1994: 138)، این واژه برگرفته از زبان ترکی است.

۳۰. **کالسکه** – [kāleske]: ۱. اتاقکی دارای چرخ که به وسیله یک یا چند اسب کشیده می‌شود و برای حمل مسافر به کار می‌رود. ۲. وسیله نقلیه کوچکی که نوزادان را هنگام بیرون رفتن در آن می‌گذارند و دارای دسته‌ای است که به وسیله آن به جلو هل داده می‌شود. **коляска** (کالیاسکا): به گفته فاسمر (1986: 2/ 300)، این واژه برگرفته از kolosa لهستانی است.

۳۱. **کفال** – [kafāl]: ماهی کفال. **кефа́ль** (کفال): به استناد فاسمر (Ibid: 228) و شانسکی (1994: 129)، این واژه برگرفته از kēphalos یونانی است.

۳۲. **کوپه** – [kupe]: هریک از اتاق‌های مخصوص مسافران در قطارهای مسافربری. **купé** (کوپه): فاسمر (1986: 2/ 419) این واژه را برگرفته از coupé فرانسوی می‌داند.

۳۳. **گارمن** – [gārmon]: سازی بادی، دارای محفظه‌ای که هنگام نواختن در میان دو دست می‌گیرند و پرده‌های آن را که مانند تکه است با انگشتان فشار می‌دهند. **га́рмонь** (گارمون): شانسکی (1994: 53) در کتاب خود واژه га́рмонь را روسی می‌داند که تلخیص از гармоника است که در اواخر قرن هجده میلادی برگرفته از harmonika آلمانی بوده است. فاسمر (1986: 1/ 394) واژه гармоника را وام‌گرفته از harmonika آلمانی یا harmonica انگلیسی می‌داند.

۳۴. **گروانکه** – [gervānke]: واحد اندازه‌گیری وزن تقریباً معادل ۴۱۰ گرم. **гирька**



(گیرکا): فرهنگ فارسی معین این واژه را برگرفته از girka روسی می‌داند و می‌گوید این واژه در روسیه به این معنا که در فارسی استفاده می‌شود، به‌کار نمی‌رود. در زبان روسی به این معنا، واژه Фунт استفاده می‌شود و به‌نظر می‌رسد گروانکه از زبان دیگری به فارسی راه یافته باشد.

۳۵. گودرات – [govādrāt]: واحد اندازه‌گیری در حروف‌چینی و صفحه‌بندی که معادل ۴۸ پنت یا ۴ سیسرو است. квадрат (کوادرات): به‌اعتقاد فاسمر (1986: 2/ 216)، این واژه برگرفته از آلمانی quadrat است که آن نیز از واژه quadratum لاتینی وام‌گرفته شده است. اما به‌نظر شانسکی (1994: 127)، این واژه در قرن هفده میلادی از زبان لاتینی وارد روسی شده است.

۳۶. گیرز – [girz]: قطعه کاغذ کوچک و نازک برای پیچیدن سیگار؛ کاغذ سیگار. гильза (گیلزا): به‌گفته فاسمر (1986: 1/ 406) و شانسکی (1927: 72)، این واژه از آلمانی Hülse به زبان روسی وارد شده است.

۳۷. لنت – [lent]: چسب برق. лента (لنتا): به‌اعتقاد شانسکی (1994: 166)، در قرن هجده میلادی این واژه از زبان آلمانی به روسی راه یافته است.

۳۸. مشتوک – [moštuk]: ۱. چوب سیگار. ۲. آن قسمت از سیگار که توتون در آن نیست؛ فیلتر. мундшту́ (مونْدْشْتُو): به‌نظر فاسمر (1987: 3/ 10) و شانسکی (1994: 193)، این واژه برگرفته از mundstück آلمانی است.

۳۹. مکاره – [makkāre]: بازار. ярмарка (یارمارکا): به‌گفته فاسمر (1987: 4/ 561) و شانسکی (1994: 388)، این واژه برگرفته از jarmark لهستانی است که واژه لهستانی از آلمانی jahrmarkt وام‌گرفته شده است.

۴۰. منات – [manāt]: واحد پول روسیه و سکه روسی با واحد منات. моне́та (مانتا): به‌نظر فاسمر (1986: 2/ 650) و شانسکی (1994: 190)، این واژه با واسطه زبان لهستانی از لاتینی monēta در قرن هجده میلادی وارد زبان روسی شده است.

۴۱. واکس – [vāks]. вакса (واکسا): به‌عقیده فاسمر (1986: 1/ 267) و شانسکی (1994: 32)، در قرن هجده میلادی از آلمانی Wachs به زبان روسی وارد شده است.

۴۲. واکسیل‌بند – [vāksilband]: رشته‌های به‌هم‌بافته‌ای که به دو طرف آن قطعه‌ای فلز

یا چرم وصل شده است و در لباس‌های رسمی نظامی بر شانهٔ چپ می‌آویزند. **аксельбант** (اُکْسِل بانَت): به اعتقاد فاسمر (1986: 1/ 66)، واژهٔ روسی برگرفته از Achselband آلمانی است.

۴۳. **وان** – [vān]. (وان در حمام) **ванна** (وانا): فاسمر معتقد است واژهٔ روسی از آلمانی Wanne یا فرانسوی vane وام گرفته شده است؛ اما به اعتقاد شانسکی (1994: 33)، در قرن هفده میلادی به واسطهٔ زبان لهستانی از آلمانی Wanne وارد زبان روسی شده است.

۴۴. **ورس** – [vers]: اندازه‌ای از مسافت را گویند. **верста** (ورستا): به اعتقاد شانسکی (1994: 37)، این واژه برگرفته از زبان اسلاوی است.

۴۵. **ورساد** – [versād]: ابزار دستی فلزی که در حروف‌چینی دستی حروف را در آن می‌چینند. **верста́тка** (ورستاتکا): به استناد فرهنگ *دایرةالمعارف بزرگ* (195: 2002) این واژه در چاپ کاربرد دارد.

۲-۳. **واژه‌های دخیلی که در فرهنگ بزرگ سخن روسی معرفی شده و ریشهٔ آن‌ها نیز به درستی بیان شده است**  
در مجموع، تعداد آن‌ها شش واژه است:

۱. **استکان** – ['estekān]. همان‌طور که در فرهنگ بزرگ سخن آمده، این واژه دخیل از روسی است و برگرفته از فارسی. **стакан**: (سَناکان): در فرهنگ‌های فاسمر (1987: 3/ 743) و شانسکی (1994: 302) نظرهای زبان‌شناسان مختلف دربارهٔ ریشهٔ این واژه بیان شده؛ اما دیدگاه خاصی تأیید نشده است. از نظر جمشید گیوناشویلی<sup>۷</sup> (1976) – ایران‌شناس نامی گرجی که دربارهٔ این واژه تحقیق کرده است – این کلمه از stgānūd stkānūd فارسی به معنای معشوقه و īstgānūd (با پسوند *ā* که به معنای جام در اشعار رودکی نیز دیده می‌شود) گرفته شده است. واژهٔ «دوستکام» [dūstkām] از راه تحول آوایی  $n < m$  که در فارسی کلاسیک معمولی است، مشتق شده است. خود اسم مرکب «دوستکام» [dūstkām] از دو واژهٔ بسیط «دوست» [dūst] مشتق از فارسی میانه [dōst-dwst] از فارسی باستان *dauštar* – «دوست، یار» [Horn, P 130; P: 26. MacKenzie] و واژهٔ «کام» [kām] «مراد، قصد، آرزو، کام دل؛



معشوق» مشتق از فارسی میانه [kām-k'm] از فارسی باستان kāma- «آرزو، خواست، قصد» [Horn, P 189; P: 48. MacKenzie] ترکیب شده است. واژه «دوستکان» [dūstkān] در زبان‌های مختلف رواج یافته است. به نظر و. رادلاف، این واژه در آستانه سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی از فارسی به زبان‌های ترکی وارد شده است. مقایسه کنید با ازبکی قدیمی dūstkānī، تاتاری غازان tustgan، قرقیزی tostakan «جام چوبی»، ترکی عثمانی dostkani «قدح شراب» [Radlov, III, 112]. در سند تاریخی روسی شاهزاده ایوان ایوانوویچ مربوط به سال ۱۳۵۶م صورت dasōḡkan به معنای «قدح طلایی» ثبت شده است [Marr, 217] و چنین احتمال داده می‌شود که این واژه از تاتاری غازان به زبان روسی وارد شده باشد. براساس این، باید تاریخ ورود آن را به زبان‌های ترکی تصحیح و احتمالاً به اواخر سده دوازدهم و سیزدهم میلادی منسوب کرد. با در نظر گرفتن روابط بسیار گسترده سیاسی-اقتصادی گرجستان و روسیه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی احتمال می‌رود که واژه dasōḡkan روسی از dosōḡkan- گرجی وام گرفته شده باشد. نظر م. فاسمر درباره اشتقاق dasōḡkan||dosōḡkan روسی از ریشه \*dos- در روسی doska «تخت، چوب» با تحول معنا به «پیاله یا قدح چوبی» [Fasmer, III, 743] درست نیست. همچنین، نظر ای. کنوبلوخ درباره اشتقاق واژه dosōḡkan روسی از ریشه \*dasta- «دست» فارسی باستان به معنای مجازی «ظرفی که با دست گیرند و برای آشامیدن محتوی آن بلند کنند» (Giunashvili, 1976: 186-189) نیز درست به نظر نمی‌رسد. واژه dosōḡkan||dosōḡkan با حذف هجای نخست do-||da- و به صورت sōḡkan در زبان روسی تثبیت شده و سپس در نیمه اول سده نوزدهم میلادی دوباره به زبان فارسی به صورت «استکان» estekān بازگشته است.

۲. **برزنت** – [berezent]: به معنای نوعی پارچه ضخیم و خشن است (معمولاً از جنس کتان) که آب از آن عبور نمی‌کند و برای ساختن چادر، روکش و مانند آن‌ها به کار می‌رود. در فرهنگ بزرگ سخن به درستی به دخیل بودن این واژه از زبان روسی و ریشه آن که به زبان هلندی برمی‌گردد، اشاره شده است. **брезент** (برزنت): فاسمر (1986: 1/ 211) واژه روسی را برگرفته از هلندی presenning می‌داند.

۳. **بکسوات** – [boksovāt]: به معنای بکسوات کردن است. در فرهنگ بزرگ سخن این واژه دخیل از روسی و واژه روسی برگرفته از آلمانی در نظر گرفته شده است. **буксовать**



(بوکسوات): به نظر بولکو (2003: 105)، واژه روسی از Boegseren هلندی وام گرفته شده است. واژه روسی به لحاظ دستوری و اجزای کلام «فعل» است؛ در حالی که این وام‌واژه در زبان فارسی از مقوله «اسم» است.

۴. **بکسل** – [bokse(ɔ)]: به معنای بکسل کردن: آن‌گونه که در فرهنگ سخن آمده است، این واژه باید ریشه هلندی داشته باشد. **буксир** (بوکسیر): فاسمر (202 / 1: 1986) معتقد است واژه روسی برگرفته از Bugsierer آلمانی است.

۵. **چمدان** – [čamedān]: همان‌طور که در فرهنگ بزرگ سخن آمده، این واژه دخیل است از روسی و برگرفته از فارسی جامه‌دان. **чемодан** (چمدان): به استناد فاسمر (1987: 4/ 332) و شانسکی (1994: 362)، واژه روسی به واسطه زبان تاتاری از فارسی گرفته شده و این واژه متشکل از جامه (به معنای لباس) و دان (جای نگهداری لباس) است. این واژه، واژه اصیل فارسی است که به روسی وارد شده و سپس به زبان فارسی بازگشته است.

۶. **سالدات** – [saldāt]: فرهنگ بزرگ سخن واژه سالدات به معنای سرباز را دخیل از روسی و واژه روسی را از ایتالیایی می‌داند. **солдат** (سالدات): به نظر فاسمر (1987: 3/ 709)، واژه روسی از طریق **soldat** آلمانی یا هلندی **soldaat** فرانسوی **soldat** از ایتالیایی **soldato** یا **soldare** وارد زبان روسی شده است و شانسکی (1994: 298) معتقد است در قرن هفده میلادی از آلمانی **soldat** که آن نیز برگرفته از ایتالیایی **soldato** است، وام گرفته شده است.

۳-۳. **واژه‌های دخیلی که در فرهنگ بزرگ سخن روسی معرفی شده‌اند؛ اما معادل**

**روسی آن‌ها در منابع روسی یافت نشد**  
با بررسی‌های انجام‌شده معادل روسی این واژه‌ها یافت نشد یا به عبارت دیگر، استناد به روسی بودن آن‌ها برای نگارندگان محرز نشد. در مجموع تعداد آن‌ها یازده واژه است:

۱. **آرشال** – ['āršāl]، — یقه، یقه آرشال.

۲. **آغوشقا** – ['āqušqā]، — (ورزش) در ژیمناستیک و در حرکت مهتاب، بردن پاها و باسن بین دست‌ها و حرکت پاها به سمت بالا و جلو.

۳. **پیت** – [pit]، — ظرفی حلبی یا آهنی به شکل مکعب مستطیل یا استوانه.

۴. **چلیک** – [čelik]، — واحد اندازه‌گیری مایعات که برحسب نوع مایع، متفاوت است و



معمولاً برابر ظرفیت پیت متوسط در نظر گرفته می‌شود. ۲. پیت: چلیک نفت در یک دست و قیف بزرگی در دست دیگر [...] برای نفت‌گیری چراغ‌ها [...] به‌کار می‌رفت. ۳. مشک. ۴. مقدار مایعی که در یک چلیک جای می‌گیرد.

۵. **دبرنا** – [dabernā] ، —: (بازی) نوعی بازی که در آن کارت‌های شماره‌داری را بین افراد تقسیم می‌کنند و سپس مهره‌های شماره‌داری را یکی‌یکی می‌خوانند. کارت هرکس زودتر کامل شود، برنده است؛ دابلنا؛ لوتو.

۶. **ساسون** – [sāson] ، —: در خیاطی، درزی در لباس که برای تنگ کردن یا مدل دادن به‌کار می‌رود. معادل این واژه با این معنا در زبان روسی واژه «вытачка» است.

۷. **سرف** – [serf] ، —: طبقه‌ای از دهقانان روستایی که در نظام فئودالی همراه با زمین خرید و فروش می‌شدند؛ رعیت.

۸. **سیسرو** – [sis[e]ro] ، —: واحد اندازه‌گیری در حروف‌چینی و صفحه‌بندی، معادل دوازده پنت.

۹. **کروک** – [koruk] ، —: نوعی سقف اتومبیل یا درشکه که قابل باز و بسته یا تا شدن است.

۱۰. **گالینگور** – [gālingor] ، —: [از رو، فر: calicot] نوعی کاغذ ضخیم مشمعی با رنگ‌های مختلف که معمولاً از آن جلد کتاب می‌سازند. برگرفته از نام کالیکوت، بندری در هند.

۱۱. **لوقانطه** – [loqānte] ، —: رستوران یا مسافرخانه.

#### ۴. نتیجه‌گیری

دستاورد‌های این پژوهش علاوه‌بر بررسی و نقد وامواژه‌های معرفی‌شده در فرهنگ بزرگ سخن، به موارد چشمگیر دیگری نیز منتهی شد؛ از جمله:

– گاهی شکل دستوری مفرد و جمع در وامواژه‌ها دگرگون شده‌اند. بعضی از وامواژه‌های فارسی مانند کاپکی و پیراشکی از شکل جمع روسی آن‌ها به‌معنای مفرد آن‌ها به زبان فارسی وارد شده‌اند. گاه وامواژه از شکل مفرد واژه روسی مثل سمیشکا گرفته شده که به‌لحاظ معنایی، با واژه جمع آن معادل است (در زبان روسی شکل مفرد و جمع آن معنای

جداگانه و متفاوتی دارد).

- واژه آرشین که در فرهنگ بزرگ سخن وام‌واژه روسی درج شده، به‌استناد منابع روسی از واژه اصیل فارسی آرش گرفته شده که به زبان روسی وارد شده است. از واژه‌های دیگر اصیل فارسی استکان و چمدان است. این‌گونه واژه‌ها چنین مسیری طی کرده‌اند: فارسی < روسی > فارسی.

- در زبان فارسی، تغییرات آوایی واژه هنگام وام‌گیری واژه روسی رعایت شده است؛ یعنی هنگام وام‌گیری، به‌طور اصولی و درست شکل تلفظی واژه - آن‌طور که واژه روسی تلفظ می‌شود - به زبان فارسی وارد شده است نه شکل نوشتاری آن؛ مانند *آفتامات* و *لتکا*. بنابه ضرورت و براساس قواعد آوایی زبان فارسی، در پاره‌ای از وام‌واژه‌ها تغییراتی نیز رخ داده است؛ مثلاً *اسکوبکا* و *استپ* به‌جای *سکوبکا* و *ستپ*.

- در بعضی از کلمات وام‌واژه، تغییرات آوایی زیادی در مقایسه با واژه اصیل و روسی آن مشاهده می‌شود؛ مانند *کلاشینکف* و نه *کالاش نیکوف*، *خوتکا* و نه *اوتکا*.

- تغییر حوزه کاربری و دستوری این‌گونه واژه‌ها در دو زبان از نکات درخور توجه است. اصل وام‌واژه‌های *ساسات* و *شماته* به‌لحاظ اجزای کلام در زبان روسی «فعل»، اما از نظر زبان فارسی «اسم» به‌شمار می‌آیند و کاربرد دارند.

- در زبان روسی تمام واژه‌هایی که با حرف «Ф» - (ف) شروع می‌شوند، غیرروسی‌اند؛ در نتیجه واژه‌هایی مانند *فارسونکا* و *فاستونی* نیز که به‌اشتباه روسی انگاشته شده‌اند، غیرروسی هستند.

به‌طور خاص و در ارتباط با فرهنگ بزرگ سخن، واژه‌های دخیل زبان روسی که در این فرهنگ آمده است، در سه بخش بررسی شد. از میان نود واژه ثبت‌شده در این فرهنگ، فقط ریشه شش واژه آمده که در بخش دوم این تحقیق ارزیابی شد. در بعضی موارد، ریشه‌یابی انجام‌شده در این فرهنگ با آنچه در منابع روسی آمده، مغایرت دارد و در سایر موارد فقط به دخیل بودن آن‌ها توجه شده است. در بخش سوم پژوهش، یازده واژه آورده شد که با بررسی‌های انجام‌شده، معادل روسی آن‌ها یافت نشد و مشخص نیست که از زبان روسی وارد زبان فارسی شده‌اند یا از زبان دیگری به زبان فارسی راه یافته‌اند.

براساس نتایج تحقیق، لزوم آشنایی فرهنگ‌نگاران و متخصصان و همکاران آن‌ها با

زبان‌های اصلی زبان مبدأ به‌منظور بررسی وامواژه‌ها و جست‌وجوی مسیر ورود و اصالت آن‌ها بیش از پیش به اثبات می‌رسد.

از دیگر کمبودهای موجود که علت عدم ثبت صحیح این‌گونه واژه‌ها در فرهنگ بزرگ سخن است، کمبود فرهنگ مستقل ریشه‌شناسی زبان فارسی است. هرچند که فقط یک جلد فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی از دکتر محمد حسن‌دوست منتشر شده، در زبان فارسی از این نظر خلأ جدی احساس می‌شود.

## ۵. پی‌نوشت‌ها

1. M. Vasmer
2. N. Trubacheva
3. N.M. Shanski & V.T. Babrova
4. A. Preobrajenski
5. A.N. Bulko
6. S. Ozhegov
7. J. Giunashvili

## ۶. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و حسین داوری (۱۳۸۷). «واژه‌های به‌ظاهر دخیل، اما اصیل». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۱۵۹-۱۷۷.
- انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۸. تهران: سخن.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳). *زبان و تفکر: مجموعه مقالات زبان‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- بختیاری، رحمان (۱۳۸۸). *ریشه‌شناسی در فرهنگ‌ها، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان فرهنگ‌نویسی*. ج ۲. تهران.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. زیر نظر بهمن سرکاراتی. ج ۱. تهران: آثار.
- داوری، رضا و حسین داوری (۱۳۸۸). «ضرورت بازنگری در بخش ریشه‌شناسی فرهنگ سخن». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. دوره

- جدید. ش ۲۲. صص ۵۵-۷۱.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۴). «کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه آنها». *مجله زبان‌شناسی*. س ۲۰. ش ۲. صص ۳-۴۶.
  - عبدالتاج‌دینی، ناهید (۱۳۹۰). *وام‌واژه‌های روسی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
  - گلکار، آبتین، امیریلا حمدی و سیده مهنا سید آقایی رضایی (۱۳۹۰). «بررسی وام‌واژه‌های روسی در گویش مازندرانی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی*. دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران. د ۱۰. ش ۲. صص ۶۷-۷۹.
  - *لغت‌نامه دهخدا* (لوح فشرده) (۱۳۸۶). انتشارات دانشگاه تهران.
  - محمدی، محمدرضا و پیمان گلستان (۱۳۸۵). «واژگان روسی در زبان فارسی: تغییر ویژگی معنایی آنها». *مجله ایراس (فصلنامه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز)*. ش ۲. صص ۹۰-۱۱۳.
  - محمدی، محمدرضا و ناهید عبدالتاج‌دینی (۱۳۸۹). «وام‌واژه‌های اجتماعی روسی در زبان فارسی، ریشه‌شناسی، معناشناسی راه‌های وام‌گیری» در *همایش ملی نقش زبان و فرهنگ در چشم‌انداز توسعه روابط ایران و روسیه*. گیلان. دانشگاه گیلان.
  - مدرس، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
  - معین، محمد (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی معین*. ج ۶. تهران: نامن.
  - نیکوبخت، ناصر و محمدرضا ایروانی (۱۳۹۱). «بررسی علل و عوامل تاریخی-سیاسی ورود واژگان بیگانه نظامی به زبان فارسی در دوره قاجاریه تا سال ۱۳۰۰ ه.ش». *مجله تاریخ ادبیات*. صص ۱۶۵-۱۸۶.
  - Большая Советская Энциклопедия. (БСЭ) (1970-1977). -М.
  - Большой энциклопедический словарь. (2002). -М.: "Большая Российская энциклопедия". СПб.: Норинт.
  - Булыко А.Н. (2004). *Большой словарь иноязычных слов*. -М.: «Мартин».
  - Гиунашвили Дж. Ш. (1976). *О происхождении слова "стакан" // Иранское*



языкознание. - М.: Академии наук СССР.

- Ожегов С.И. & Н.Ю. Шведова (1999). *Толковый словарь русского языка*. - М.: Азбуковник.
- Преображенский А. (1914-1949). *Этимологический словарь русского языка: в 3 Т.* - М.: Академии наук СССР.
- Фасмер М. (1986-1987). *Этимологический словарь русского языка: в 4 Т.* -М.: Прогресс.
- Шанский Н.М. & Т.А. Боброва (1994). *Этимологический словарь русского языка*. -М.: Прозерпина.
- *Этимологический словарь русского языка*. (1972). Т. I / под. ред. Шанского Н.М.: - М.: Издательство московского университета. 1972.

#### Translated Resources:

- Abdaltajedini, Nahid (2011). *Russian Loan-words in Persian Language*. M.A. Thesis. Tarbiat Modares. University [In Persian].
- Agha-Golzadeh, Ferdows & Hossein Davari (2008). "Apparently Affecting, But Truly Original Words/Lexicons". *Research Journal of Persian Language and Literature*. No. 10. Pp. 159-177 [In Persian].
- Anvari, Hassan (Sarparast) (2002). *Farhang-e-Bozorge-Sokhan*. (8 Volumes). Tehran: Sokhan [In Persian].
- Bakhtiari, Rahman (2009). *Etimology in Dictionaries: Especial Issue of Farhangestan-e- Farhang-nevisi*. Vol.2. Tehran [In Persian].
- Bateni, Mohammad Reza (1994). *Language and Thinking: Proceeding of Linguistics*. Tehran: Farhang-e-Mo'aser [In Persian].
- Bulyk A.N. (2004). *Great Dictionary of Foreign Words*. -М. "Martin." [In Russian].

- Davari, Reza & Hossein Davari (2009). "The Necessary of Revision in the etymology Section of *Farhang-e-Sokhan*". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Kerman Shahid Bahonar University)*. New Period. No. 3. Pp. 55-71 [In Persian].
- *Etymological Dictionary of Russian Language*. (1972). Vol I / under. Ed. Shansky NM: - M: Moscow University Publishing House, 1972 [In Russian].
- Fasmer M. (1986-1987). *Etymological Dictionary of the Russian Language in 4 T.-M.*: Progress [In Russian].
- Giunashvili, J. S. (1976). *On the origin of the word "glass" // Iranian Linguistics*. - Moscow: Academy of Sciences of the USSR [In Russian].
- Golkar, Abtin, mirila Ahmadi & Sayyed Mohana Sayyed Aghaie Rezai (2011). "Investigation of Russian Loan-Words in Mazandarani Dialect." *The Journal of Linguistic Research in Foreign Languages. Faculty of Foreign Languages and Literature. University of Tehran*. Vol.1, No. 2. Pp. 67-79 [In Persian].
- *Great Encyclopedic Dictionary* (2002). -M. "Great Russian Encyclopedia", St. Petersburg.: Norint [In Russian].
- *Great Soviet Encyclopedia* (BSE) (1970-1977)-M [In Russian].
- Hassan Doost, Mohammad. (2005). *Dictionary of Persian Language Etymology*. Supervised by: Bahman Sarkarati. Vol. 1. Tehran: Asar [In Persian].
- *Loghat-nameye Dehkhoda* (Compact CD) (2007). University of Tehran Publications [In Persian].
- Modarresi, Yahya (2012). *An Introduction to Language Sociology*. Tehran: Institute of Human Sciences and Cultural Studies [In Persian].
- Mohammadi, Mohammad Reza & Nahid Abdaltajedini (2010). "Russia Social Loan-Words in Persian Language: Etymology, Semantcs and Loanind Ways". *The National Seminar on the role of Language and Culture in the Perspective of Developing Irano-Russian Relations*. University of Gilan/Iran [In Persian].